

افراطی گری

منزوی می شود

نوشتہی:

عبد اللہ حیدری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۵	آغاز
۶	نگاهی به گذشته تاریخ
۷	سوء استفاده از نام اهل بیت
۷	از پیامدهای اختلاف
۸	دوستداران واقعی اهل بیت
۸	گواهی تاریخ
۸	مسلمانان بدانند
	در باره کتاب فضائل اهل بیت و منزلت والای آنان از دیدگاه اهل سنت نوشته‌ی
۹	عبدالمحسن العباد
۱۱	با مدارا به سوی وحدت
۱۲	افراطگری منزوی می‌شود
۱۳	دفاع از صحابه
۱۴	حقوق صحابه
۱۵	تحریف تاریخ
۱۶	مکافات عمل
۱۸	فضائل صحابه
۱۸	گواهی قرآن کریم

۱۸	آیه اول.....
۲۱	آیه دوم.....
۲۳	آیه سوم.....
۲۴	فضائل صحابه در سنت مطهر.....
۲۴	ابوبکر صدیق <small>رضی الله عنه</small>
۲۵	عمر فاروق <small>رضی الله عنه</small>
۲۵	عثمان ذو النورین <small>رضی الله عنه</small>
۲۶	زبیر بن العوام <small>رضی الله عنه</small>
۲۶	طلحه بن عبید الله <small>رضی الله عنه</small>
۲۷	سعدابن ابی وقاص <small>رضی الله عنه</small>
۲۷	عمرو ابن العاص <small>رضی الله عنه</small>
۲۸	عائشه صدیقه <small>رضی الله عنها</small>
۳۰	از سخنان علی مرتضی <small>رضی الله عنه</small>
۳۰	سخن اول:.....
۳۰	سخن دوم:.....
۳۱	سخن سوم:.....
۳۱	حکایتی از زین العابدین رحمه الله علیه.....
۳۲	نام گزاری به نام های خلفای راشدین.....
۳۴	مناقشه.....

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

خواننده گرامی! با سلام و آرزوی توفیق..

این نوشته، تألیف مستقلی نیست در اصل پیشگفتار مترجم بر کتاب «فضائل اهل بیت و منزلت والای آنان از دیدگاه اهل سنت» است که سالها پیش ترجمه کرده بودم و متأسفانه به دلایلی با وجود اینکه اجازه چاپ هم گرفته بود چاپ نشد. و بعدها در سایت عقیده نشر گردید البته این پیشگفتار در آن کتابی که قرار بود چاپ شود هم اجازه ورود نیافت علتش مهم نیست.

یکی از دوستان بسیار عزیزم در سایت پربرکت کتابخانه عقیده (بزرگترین کتابخانه الکترونی فارسی) لطف کرده و با ابتکار و ذوق و سلیقه خودش آنرا برای نشر به عنوان کتاب مستقلی آماده کرده که از خداوند متعال برای ایشان و سایر دوستان و همکاران در آن سایت پر برکت، اجر و پاداش مضاعف خواستارم.

زیرا اگر این برادر عزیز سبب این خیر نمی شد با وجود گرفتاری های فراوان امروز از جمله حضور در خدمت شما سروران و عزیزان در شبکه های اهل سنت و بعضی مشغله های علمی دیگر شاید به این زودی فرصت مراجعه کارهای گذشته پیدا نمی شد و نشود.

امیدوارم خداوند عمر با برکت و سلامتی و فراغ بالی نصیب فرماید تا بسیاری از کارهای به ظاهر کوچک اما پر برکتی که با اندک توجهی می تواند در اختیار شما سروران قرار گیرد و سبب خیر و برکت فراوان شود نیز فرصت ظهور پیدا کند.

بنده اساساً با غیبت صغرا و کبرا مخالفم اما گاهی تراکم کار و فشار اولویتهای مختلف الزاماً غیبتی را بر بعضی کارها تحمیل می کند که از شما عزیزان و سروران هم

تمنا می‌کنم برای فرج کارهای خیر دعای ظهور فرمایید. اللهم عجل برای کارهای خیرنا
الفرج.

ضمناً اسم کتاب را از یک عنوان فرعی انتخاب کردم گرچه مطالب زیادی در این باره
فعلاً در کتاب نیست اما خواستم پیامی باشد و اگر خداوند عمری داد حتماً در این باره
خواهم نوشت.

التماس دعای خیر دارم.

عبدالله حیدری

جمعه ۱۶ دی ۱۳۹۰ ۱۲ صفر ۱۴۳۳هـ

مدینه طیبه علی صاحبها آلاف التحية والسلام

وعلى آله وأصحابه وأزواجه وأتباعه ومحبيه ومناصريه.

آغاز

ای اهل بیت رسول الله ﷺ محبت شما

فرضی است از خداوند که در قرآن نازل فرموده

همین افتخار بزرگ برای شما کافی است که

کسی که بر شما درود نفرستد نمازش درست نیست^(۱)

خواننده گرامی ضمن عرض سلام، برای شما و سایر مسلمین جهان آرزوی سعادت و

خوشبختی دائم می‌کنم، به امید آنکه همواره در تلاش حقیقت‌کوشا و جدی باشید.

نگاهی به گذشته تاریخ

هنگامی که اسلام بعنوان آخرین و کامل ترین دین الهی بر جهان سایه رحمت افکند، دیو باطل با اشکال مختلف و عناوین گوناگونی بشریت را در چنگال جهل و خرافات می فشرد، و باطل پرستان که جز این جهان فانی به ما ورای آن، که جهان آخرت نامیده می شود ایمان نداشتند، انسانهای آزاد را اسیر و برده هوا پرستی و خود کامگی خود کرده بودند، پیام اسلام: نجات بشریت از چنگال این دیوهای خونخوار و وابسته کردن آن به معبود و خالق یکتا بود، لذا از اولین روزهای دعوت حق، باطل پرستان از هر طیف و مکتبی جهت مبارزه با این مکتب راستین و این رهایی بخش بشریت از جهل و ضلالت به نور هدایت، دست به کار شدند و هر چه توانستند کوشیدند، و از تمام امکانات خود کار گرفتند تا این نور الهی را خاموش کنند اما خداوند می خواست نورش را تمام کند حتی اگر کافران و مشرکان ناپسند پندارند.

سر انجام که دشمنان اسلام با همه امکانات گسترده خویش از شکست این مکتب بزرگ و تضعیف امت اسلامی نا امید شدند، به مکر و سازش روی آوردند، و در مدت کوتاهی بزرگترین ضربه را به اسلام و پیروان مخلص آن وارد کردند، اولین هدف آنان شهادت خلیفه قهرمان اسلام و عدالت گستر بی همتای تاریخ بشریت - پس از پیامبران علیهم السلام - فاروق اعظم بود، زیرا دستاوردهای حکومت بی نظیر فاروق و عدل بی مثال او داغ بر دل دشمنان اسلام گذاشته بود و ملت هایی که قرن ها طوق بردگی به گردن می کشیدند را شیفته اسلام کرده بود.

سپس خلیفه سوم و چهارم که هر کدام آنان نمونه کاملی از خلافت نبوت ارائه داده بودند و دشمنان نمی توانستند بیش از این تابش نور حق را تحمل کنند لذا بر آن شدند که پس از عمر فاروق، عثمان و علی را نیز از میان بردارند، و چنان جنگهای خانمان سوزی براه انداختند که دهها هزار مسلمان را در کام خود فرو برد.

سوء استفاده از نام اهل بیت

آری، سپس تلاش کردند که با نام پاک و مقدس اهل بیت پیامبر- فدا هم ابی و امی- امت را دچار تفرقه کنند و چنین وانمود کردند که گویا به خاندان پیامبر ظلم شده و ظالمان! و غاصبان! حق «مادی» و «معنوی» آنان را غصب کرده‌اند! متأسفانه بعضی مسلمانان ساده و مخلص فریب خوردند و باور کردند که گویا چنین است! واقعا به اهل بیت پیامبر ظلم شده است! واقعا اهل بیت و صحابه جان نثار پیامبر ﷺ با هم دشمن جانی بوده‌اند!

برای اثبات این ادعای باطل روایت‌ها جعل کردند، افسانه‌ها بافتند و دروغ‌های فراوانی را با مهارت و تردستی رنگ حقیقت دادند، هر چه زمان بیشتر می‌گذشت این میکرب اختلاف بیشتر رشد می‌کرد و چاق‌تر می‌شد و زاویه اختلاف که در آغاز یک اختلاف نظر سیاسی و سپس یک مذهب فقهی بیش نبود کم‌کم شکل حق و باطل و کفر و اسلام بخود گرفت، و امت را دچار سر درگمی کرد.

از پیامدهای اختلاف

از بزرگترین آثار تولد و رشد و پرورش میکرب اختلاف این شد که:

اولا: بخشی و لو کوچک از امت اسلامی گویا باور کردند که واقعا اهل بیت پیامبر ﷺ مظلوم بوده‌اند.

ثانیا: اینکه گویا- از دید این عده- عموم مسلمین دشمن و مخالف اهل بیت بوده و هستند!

امروز هم متأسفانه از هر وسیله ممکن با آب و تاب تمام کار گرفته می‌شود تا ثابت شود که یک میلیارد و دویست میلیون مسلمان جهان بر باطل و همچنان ظالم و غاصبان! و عده مخصوصی دوستداران اهل بیت و پرچمداران اسلام ناب محمدی و مصداق حقیقی فرقه ناجیه هستند!

دوستداران واقعی اهل بیت

اما برای کسانی که در پی حق و تلاش حقیقت‌اند روشن‌تر از روز است که اهل سنت نه تنها دشمن اهل بیت پیامبر نبوده و نیستند که مدافعان و جان‌نثاران واقعی اهل بیت - رضوان الله علیهم اجمعین - بوده‌اند و خواهند بود.

چگونه ممکن است کسی مسلمان باشد بلکه دوستدار و پیرو سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد اما با اهل بیت گرامی‌اش بد باشد! یا خدای نکرده کینه داشته باشد! کلا و حاشا! اگر چنین کسی پیدا شود در مسلمانی‌اش باید شک کرد، اهل سنت به لطف خداوند مهربان اولین دوستداران و عاشقان و مدافعان حقیقی اهل بیت بوده‌اند و خواهند بود، و این امر بسیار روشن‌تر از آن است که نیازی به اثبات و برهان داشته باشد.

گواهی تاریخ

کافی است اشاره کنیم که یکی از اولین مدافعان حقیقی اهل بیت پیامبر ﷺ امام أبو عبدالله احمد بن شعیب نسائی رحمه الله علیه (ت ۳۰۳ هـ) صاحب سنن نسائی یکی از شش کتاب حدیث بزرگ اهل سنت است. در خیر القرون هنگامیکه نواصب و خوارج علیه اهل بیت توطئه می‌چیدند و از آنان به بدی یاد می‌کردند این امام بزرگوار اهل سنت قلم برداشت و کتاب مستند خصائص علی را نگاشت و بخاطر آن در دمشق بقدری کتک خورد که در دفاع از اهل بیت جام شهادت نوشید. چه افتخاری بالاتر از این که کسی بخاطر دفاع از اهل بیت پیامبرش ﷺ قربانی جهل و تعصب گردد؟.

مسلمانان بدانند

شایسته است برادران و خواهران مسلمان ما اعم از شیعه و سنی بدانند که هیچ کتاب اهل سنت بویژه کتابهای عقیدتی و حدیثی ما از فضائل اهل بیت ﷺ خالی نیست بلکه به اعتراف خود علمای شیعه آنقدر فضائلی که درباره اهل بیت در کتب اهل سنت وجود

دارد در کتب شیعه نیست و امروز هم علمای اهل سنت دهها و شاید صدها کتاب مستقل در این زمینه نگاشته‌اند، و ان شاءالله تا قیامت هم ادامه خواهد داشت.

اول تصمیم بر آن بود که کتاب مهم دکتر سلیمان سجیمی که تز دکترای وی از دانشگاه اسلامی مدینه منوره بود (*العقیده فی أهل البيت بین الإفراط و التفریط*) را ترجمه کنم اما بدلیل کمبود وقت جرئت نکردم شروع کنم، لذا رساله مختصر شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد البدر را به لطف خداوند شروع کردم و اینک خدمت شما خوانندگان عزیز تقدیم می‌دارم.

امیدوارم خداوند آن را وسیله ای قرار دهد که اختلاف بین امت اسلامی کمرنگ‌تر گردد، و رفته رفته با تلاشهای مستمر داعیان و مخلصان حقیقی وحدت امت اسلامی انشاءالله تخم اختلاف برای همیشه از بین برود و ریشه آن قطع گردد، تا باشد که امت متحد و یکپارچه اسلامی مان در برابر دشمنان اسلام با توانمندی هر چه بیشتر بتواند قد علم کند و به کوری چشم همه بدخواهان اسلام، ثابت کند که می‌تواند با دانش و بینش، راه خودش را پیش گیرد و شکار توطئه‌های آنان نگردد.

در باره کتاب فضائل اهل بیت و منزلت والای آنان از دیدگاه اهل سنت نوشته‌ی عبدالمحسن العباد^(۱)

چند مطلب در رابطه با این کتاب باید خدمت خوانندگان عزیز به عرض برسانم:
اول: اینکه سبک نگارش مؤلف محترم در نوشتن این کتاب سبک خاص خودش است و نه سبک معمول، لذا اجازه ندادند که ما از پاورقی استفاده کنیم!

۱- این کتاب را استاد عبد الله حیدری ترجمه نمودند و در سایت کتابخانه عقیده موجود است. قرار بود که این کتابی که در دست دارید (افراطی‌گری منزوی می‌شود) بحیث مقدمه‌ی آن کتاب نشر شود اما بنابر دلایل خاصی نشر نگردید و بعد از اجازه‌ی استاد عبدالله حیدری آن مقدمه بحیث کتاب مستقل آماده گردید تا در سایت کتابخانه عقیده نشر گردد. بنابراین، هر آنچه در این کتاب از روش مؤلف و مترجم می‌خوانید مراد آن کتاب فضائل اهل بیت و منزلت والای آنان از دیدگاه اهل سنت نوشته‌ی عبدالمحسن العباد است. (مصحح)

دوم: مترجم عقیده داشت که این بحث باید گسترده‌تر انجام گیرد و با استفاده از منابع بیشتری به آن پرداخته شود و این کار را هم کرد و مطالبی بیشتری تهیه نمود اما از آن جاییکه برای تکمیل آن زمان بیشتری لازم بود و مؤلف محترم اصرار داشتند که کتاب زودتر چاپ شود لذا نتوانستیم آن مطالب را به کتاب اضافه کنیم که ان شاء الله امیدواریم در فرصت مناسب این کار انجام گیرد.

سوم: جز عناوین بزرگ کتاب یعنی فصلها و بعضی عناوین دیگری که مترجم با گذاشتن ستاره‌ای در سمت راست آن‌ها چه در داخل کتاب و چه در فهرست، آن‌ها را متمایز کرده بقیه تیتراهای کتاب از مترجم است قابل ذکر است که منظور از گذاشتن این تیترا در واقع کمک به خواننده است تا از روند نسبتاً طولانی مطالب خسته نشود و مطالب بهتر در ذهن جای گیرد، لذا در بعضی موارد تیتراها نزدیک به هم قرار گرفته که ممکن است برای خواننده عزیز سؤال برانگیز باشد عذر همان است که عرض کردیم. (والعذر عند کرام الناس مقبول).

چهارم: این کتاب در واقع همچنانکه از نام آن پیداست علاوه بر بیان دیدگاه اهل سنت نسبت به اهل بیت یا خاندان نبوت رضی الله عنهم اجمعین، و علاوه از جلب توجه به این حقیقت روشن که **اهل بیت منحصر به دوازده یا چهارده نفر نیست:**

دفع یک شبهه یا اتهام است که گویا اهل سنت با اهل بیت نعوذ بالله دشمن هستند، لذا اگر احیاناً اشاره‌گذاری به فرقه یا فرقه‌های دیگری شده صرفاً از باب مقایسه است و مؤلف محترم هرگز قصد توهین به کسی را نداشته است.

پنجم: مترجم در برگردان این مطالب ضمن رعایت امانت سعی کرده از تعبیراتی استفاده کند که به وحدت امت اسلامی و نزدیک کردن دیدگاهها به یکدیگر و از بین بردن سوء تفاهمات کمک کند، تا اگر نتوانستیم در کوتاه مدت به وحدت حقیقی در پرتو

کتاب و سنت برسیم، ان شاء الله بتوانیم اختلافات و سوء تفاهمات را به حد اقل ممکن کاهش دهیم.

ششم: تعبیر «رافضه» یا «رافضی» که دو سه مرتبه در این کتاب از باب مقایسه به کار رفته ممکن است برای بعضی خوانندگان محترم حساسیت برانگیز باشد، و چون مترجم نمی‌توانسته کاملاً آن را بردارد لذا داخل پرانتز با جمله «شیعیان غالی» آن را توضیح داده‌است.

با مدارا به سوی وحدت

واقعیت هم همین است که اصطلاح رافضه یا روافض هرگاه در کتاب‌های قدیم به کار می‌رود منظور همان شیعیان غالی هستند که از یک سو در حب بعضی شخصیت‌های اهل بیت به شدت افراط می‌کنند و نعوذبالله به آنان صفات خدائی می‌دهند و از سوی دیگر در دشمنی با صحابه و یاران جان نثار رسول الله ﷺ - که پروانه وار به دور شمع رسالت سوختند تا جهان را با نور ایمان و قرآن و هدایت منور گردانند - چنان دچار تفریط و زیاده روی می‌شوند و چنان توهین می‌کنند که زبان و قلم از نقل آن همه ظلم و جفا و جسارت و اهانت خجالت می‌کشد.

افراط‌گری منزوی می‌شود

خدا را سپاسگذاریم که این اندیشه افراطی کم کم دارد به انزوا کشیده می‌شود و طرف دارانش دارند می‌فهمند که امت اسلامی با همه مذاهب فقهی و مکاتب فکری و اندیشه‌های سیاسی‌اش از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب دارد به سوی یک محور پیش می‌رود و خواهان وحدت و همدلی است، پس هر اندیشه تند و افراطی که به وحدت امت اسلامی ضربه زند نه تنها از دید علماء و دانشمندان و فرهنگیان و نخبگان که حتی از دید عامه مسلمانان نیز مردود است. لذا طولی نخواهد کشید که انشاءالله بازار افراط‌گرایی کساد شود، و کاسبان آن برای همیشه صحنه را ترک کنند و میدان را به عقلاء و دانشمندان بسپارند تا برای وحدت حقیقی و نهایی امت اسلامی بر محور کتاب و سنت و با فهم و درک و داوری شاگردان و خاندان نبوت یعنی صحابه اخیار و اهل بیت اطهار (= منهای عصمت) برنامه ریزی کنند، و انشاءالله میوه شیرین وحدت حقیقی را به ثمر برسانند.

پس روی سخن در مواردی که احیاناً اصطلاح رافضه یا رافضی به کار می‌رود این اندیشه ناپاک و ضد اهل بیت است، و اما سایر مسلمانانی که در هر گوشه جهان علاوه از اهل سنت وجود دارند بویژه برادران و خواهران شیعه مذهبی که در محبت شان با اهل بیت صادق هستند و از توهین به مقدسات اسلامی بویژه صحابه بزرگوار رسول الله ﷺ متنفرند و به اهل سنت با دید احترام می‌نگرند، و داعی وحدت امت اسلامی و مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر مسلمانان هستند، اهل سنت نیز به اینگونه برادران و خواهران مسلمان خود با احترام متقابل نگاه می‌کنند و سعی دارند با آنان مدارا کنند و همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند، که جامعه اسلامی شدیداً نیازمند چنین مدارایی است.

دفاع از صحابه ﷺ

مطلب مهم دیگری که باید در همین رابطه توضیح دهیم موضوع صحابه جان نثار و افتخار آفرینان تاریخ بشریت است که با فداکاری و جان فشانی بی نظیرشان، عاشقانه و خالصانه از رسول محبوبشان ﷺ دفاع کردند و سعادت دنیا و آخرت را خریدند، این شخصیت‌های استثنایی تاریخ و این مردان حماسه آفرین دوران طلایی اسلام، با اینکه نام مقدس شان همچون نور در قرآن (جز یک مورد نه با صراحت) و سنت و تاریخ اسلام می‌درخشد و نیازی به دفاع از آنان نیست اما متأسفانه دشمنان اسلام با زیرکی و تردستی توانسته‌اند چهره درخشان آنان را در اذهان بعضی مسلمانان مخدوش نشان دهند! بویژه سران و بزرگان و طلایع داران این نهضت مقدس محمدی همواره از سوی دشمنان کینه توز اسلام مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند موضوع ما در این کتاب فقط اهل بیت رضوان الله علیهم اجمعین است اما از آنجایی که نام گرامی بعضی از این شخصیت‌های بزرگوار و پروانه‌های شمع رسالت در لابلای صفحات این کتاب آمده است لازم دیدیم برای آن عده از خوانندگان عزیز مان که چهره این بزرگواران به هر دلیلی در ذهن آنان مخدوش شده توضیح دهیم و آنان را مطمئن کنیم که اسلام جز با خون پاک این سرداران پا ننگرفته است، پس چقدر ظلم و ستم و ناانصافی است که انسان میوه درختی را بخورد و در سایه‌اش بخوابد و از نسیم تازه و بهاری آن استشمام کند اما کشاورز زحمت کشی که این میوه شیرین را ببار آورده است لعنت و نفرین کند!!

از بارزترین چهره‌هایی که در آبیاری درخت اسلام نقش آشکار داشته‌اند، اما متأسفانه مورد ستم و جفای قلم‌های مسموم قرار گرفته‌اند، و در این کتاب نام گرامی آنان آمده است می‌توان شخصیت‌های ذیل را نام برد:

- ۱- ابوبکر صدیق ۲- عمر فاروق ۳- عثمان ذی النورین ۴- سعد بن ابی وقاص ۵-
- طلحه بن عبیدالله ۶- زبیر بن عوام. این‌ها همه شان جزو عشره مبشره به شمار می‌روند

یعنی ده صحابه‌ای که پیامبر ﷺ به آنان مژده بهشت داده‌اند (بقیه این ده نفر علی ابن ابی طالب سعید ابن زید ابو عبیده جراح و عبدالرحمن ابن عوف هستند).

شخصیت‌های دیگری نیز علاوه از این‌ها مورد تاخت و تاز قلم‌های مسموم و ناپاک قرار گرفته‌اند از جمله: ۷- حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها که جزو امهات المؤمنین هستند، ۸- حضرت عمرو بن عاص رضی الله عنه شخصیت مهم دیگری است که از ایشان در این کتاب نام برده شده که البته نام همه این بزرگواران بدین جهت در کتاب آمده که همه شان راویان فضائل اهل بیت علیهم السلام هستند.

حقوق صحابه رضی الله عنهم

عقل و عرف و اخلاق و شریعت تقاضا می‌کند که اگر کسی به ما خوبی و احسانی کند احسانش را جبران کنیم، صحابه جانباز و فداکار تمام هستی شان را در راه خدا قربان کردند و تا آخرین رمق حیات بخاطر نشر و دفاع و پاسداری از اسلام فداکاری نمودند، تا ما انسانهای نمک شناس را از کفر و شرک و عذاب دوزخ نجات دهند، اما امروز که ما به لطف خداوند و برکت شریعت و زحمت‌های رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و جانفشانی‌های صحابه بزرگوارشان سنگ اسلام به سینه می‌زنیم و کلید بهشت و دوزخ تقسیم می‌کنیم نه تنها از جان فشانی‌ها و فداکاری‌های آن سرداران و طلایع داران و جان برکفان و فدائیان حقیقی اسلام یادی نمی‌کنیم و تشکری نمی‌کنیم که در عوض لعنت و نفرین و ناسزا به آنان هدیه می‌کنیم!!

به به! کسی نیست از ما پرسد که اگر عمر فاروق نبود و فداکاری سعد ابن ابی وقاص و سایر صحابه رضی الله عنهم نبود آیا باز هم امروز ما مسلمان بودیم؟ یا اینکه درفش کاوینی را به دوش می‌کشیدیم و آتشکده می‌افروختیم؟! عقل و دانش و منطق تقاضا می‌کند که انسان نمک شناس نباشد، هر ملت عاقل و با فرهنگ و متمدنی به شخصیت‌های ملی و مذهبی خودش که به نوعی زحمت کشیده و خدمت کرده‌اند احترام می‌گذارد و از آنان تجلیل

می‌کند، هر ملتی را می‌توانید مثال بنزید، اما تعجب است که ما به کسانی که باعث نجات و رستگاری ابدی ما شده‌اند لعنت و نفرین می‌کنیم!! علاوه بر آن که ما از لحاظ تاریخی به این شخصیتها مدیون هستیم از لحاظ دینی هم نصوص فراوانی وجود دارد که احترام آنان را بر ما واجب می‌کند.

پرسش ما این است که **الیس منکم رجل رشید؟** آیا نیستند عاقلانی که بیندیشند و بفهمند و این بساط لعنت و نفرین را بر چینند؟ کافی نیست؟
این تمدن و تکنولوژی و کامپیوتر و انترنت هنوز نتوانسته ما را قانع کند که از لعنت کردن دیگران آن هم کسانی که هزار و چهار صد سال پیش از دنیا رفته‌اند چیزی جز گناه و کینه و تفرقه و عذاب وجدان حاصل نمی‌شود؟!
خوشبختانه بسیاری از کسانی که درک می‌کنند و می‌فهمند، امیدواریم که دایره این دانش و بینش گسترده‌تر شود تا وحدت واقعی امت اسلامی زودتر تحقق یابد. چنین باد.

تحریف تاریخ

به عنوان یک جمله معترضه مطلبی به خاطر می‌رسد که یاد آوری آن شاید به نزدیک کردن امت اسلامی به یکدیگر کمک کند.
سالهاست که قشر بزرگی از روشنفکران و دلسوزان به وحدت امت اسلامی بویژه جامعه اهل سنت فارسی زبان اعم از ایران و افغانستان و تاجیکستان از پدیده‌ای به نام «تحریف تاریخ» توسط بعضی‌ها رنج می‌برند و شکایت می‌کنند، این مشکل زمانی شدت گرفت که این تحریف تاریخ و جعل اکاذیب در لفافه حقایق تاریخی و گویا به نقل از بعضی کتب! تاریخ! یا بهتر بگوییم «فروش زباله‌های تاریخ!» از کتاب و منبر پافراتر گذاشت و به عرصه رسانه‌های گروهی وارد شد و توسط فیلمها و نمایشنامه‌ها و سریالهایی که تمام اقشار جامعه از کوچک تا بزرگ آن را دنبال می‌کنند به نمایش گذاشته شد!!

و اوج این تحریف و دروغ پردازی و تفرقه افکنی هنگامی بود که با کمال جسارت و بی ادبی، صحابه بزرگوار رسول الله ﷺ را محاکمه کردند!!
 آری! با همین سادگی و راحتی و بی باکی صحابه جان نثار و پاسداران مخلص و فداکار و اولیاء و دوستان صادق خدا را به پای «میز محاکمه» کشاندند!!

مکافات عمل

اگر چه این «کارهای سبک»! هرگز از مقام شامخ و شخصیت بهشتی آن پاکان چیزی نمی‌کاهد، بلکه نمی‌تواند بکاهد، اما گناه «بد بین کردن امت اسلامی» نسبت به آن فدائیان اسلام و قرآن و پیامبر ﷺ حد اقل سزایش این خواهد بود که نویسنده و کارگردان و سایر کسانی که به چنین عمل زشتی دانسته آلوده شده یا راضی بوده‌اند اگر توبه نکنند انشاءالله اولاً در دنیا مزدشان! را خواهند گرفت! و الا به زودی در جلو «میز محاکمه پروردگار» قرار خواهند گرفت و مجبور به پاسخگویی خواهند شد.

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو زجو بنده با توجه به گواهی قرآن کریم که سخن ذات پروردگار عالم الغیب است و او تعالی دانسته ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ [الفتح: ۱۸] این (نعوذ بالله): «مجرمین!» و «منافقین!» و «ناکثین!» و «مارقین!» و «قاسطین!» و «غاصبین!» و «ظالمین!» را به عنوان: رفیق و همدم و مددگار و مدافع و جان نثار و یار غار و همسر و پدر زن و داماد برای پیامبر عزیزش صلی الله علیه وآله و سلم بر گزیده، و مکرراً به آنان وعده بهشت جاویدان و مغفرت و خوشنودی و رضوان داده است (از جمله در سوره فتح آیه ۲۹).

و با توجه به گواهی شخص رسول الله ﷺ که مربی و معلم این شاگردان و فدائیان حقیقی اسلام بوده و ایشان جز به وحی سخن نمی‌گویند (سوره نجم آیه ۴) بارها بویژه به این سرداران (ابوبکر صدیق - عمر فاروق - عثمان ذی النورین - سعد بن ابی وقاص - طلحه بن عبیدالله - زبیر بن عوام رضی الله عنهم اجمعین) مژده بهشت داده‌اند، هیچ شک

و شبه‌ای ندارم بلکه در وجود خورشید می‌توانم شک و تردید کنم اما در این باره شک و تردیدی ندارم که دشمنی با دوستان خدا عین دشمنی با خداست، زیرا خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید:

«من عادی لی ولیا فقد آذنته بالحرب» «کسی که با یکی از دوستان من دشمنی کند من با او اعلان جنگ می‌کنم»^(۱).

تقریباً تمام مراجع شیعه معنای این حدیث قدسی را نقل کرده‌اند لفظ مشهورش در آن مراجع چنین است:

«من أهان لی ولیا فقد أُرصد لمحاربتی و أنا أسرع شيء إلى نصره أولیائی» «کسی که به یکی از دوستان من اهانت کند برای جنگ با من کمین گرفته است، و من برای نصرت و کمک به دوستانم بیش از هر عمل دیگری از سرعت کار می‌گیرم»^(۲).

بس تجربه کردیم در این دیر مکافات با درد کشان هر که در افتاد برافتاد چراغی را که ایزد بر فروزد هر آنکس پف کند ریشش بسوزد اگر صحابه پیامبر از اولیاء و دوستان خدا نباشند دیگر خداوند دوست و ولی ندارد. و در این باره شک و تردیدی ندارم که هر کس سوژه (به گمان خودش) محاکمه! یا تمسخر و استهزاء به صحابه رسول الله ﷺ را نوشته یا به هر عنوانی در نمایش آن همکاری کرده یا به آن راضی بوده یا به هر وسیله‌ای در کاستن از شخصیت و محبت آنان از دل مؤمنان، یا در بدبین کردن امت اسلامی نسبت به آنان و تخم اختلاف پاشیدن و آب به آسیاب دشمن ریختن!، نقش داشته یا دارد اگر توبه و جبران نکند یقین کامل دارم که عذاب سختی در انتظارش است:

چون خدا خواهد کسی رسوا کند میلش اندر طعنه پاکان برد

۱- صحیح بخاری شماره ۶۵۰۲.

۲- اصول کافی ۳۵۲/۲ و سائل الشیعه ۴۲۸/۲.

فضائل صحابه

ما در اینجا فقط نمونه و فشرده‌ای از فضائل این بزرگواران مذکور را - که با وجودی که بیشتر زحمت کشیده‌اند متأسفانه بیشتر مورد اتهام و سوء ظن قرار گرفته‌اند (البته نه در نزد عقلاء) از زبان مقدس وحی بیان می‌کنیم، تا برادران و خواهرانی که قصد شناخت و آگاهی از حقایق را دارند و به وحدت حقیقی امت اسلامی می‌اندیشند بدانند و مطمئن شوند که «هر گردی گردو نیست» و هر قلم به دست و نمایشنامه نویسی مورخ و دانشمند! و کارشناس! نیست، و هر «هنرمند» و «بازیگر» بیچاره از همه چیز و همه جا بی خبری چهره مردان دلاوری که تاریخ پر افتخار اسلام با خون پاک آنان رقم خورده را نمی‌تواند منعکس کند، آنهم اگر طراحان و نویسندگانش عده‌ای جاهل باشند که زبانه‌های تاریخ را بر قرآن و واقعیت‌های روش‌تر از روز ترجیح دهند و تنها به محضر قاضی رفتن را انصاف و عدالت و پیروزی بپندارند.

گواهی قرآن کریم

ابتداء سه آیه از قرآن کریم را با ترجمه و تفسیر آن از «دیدگاه تشیع» خدمت خوانندگان عزیز تقدیم می‌داریم.

آیه اول

﴿وَالسَّبِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

﴿التوبة: ۱۰۰﴾

«و سبقت گیرندگان نخستین (به ایمان) از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خداوند از آنان خوشنود شد و (آنان نیز) از او خوشنود شدند. و

برایشان باغهایی که فرودست آن جویباران روان است آماده ساخت که در آنجا همیشه جاودانه‌اند. این کامیابی بزرگ است».

معنی سابقین:

سابقین اولین از مهاجرین و انصار و پیروان شایسته آنان چه کسانی هستند؟ پاسخ را از مفسران شیعه بشنویم.

دیدگاه طباطبایی:

«*کسانی که به هر دو قبله نماز خوانده‌اند.

*کسانی که در بیعت الرضوان شرکت داشته‌اند (۶ هـ).

*کسانی که قبل از هجرت مسلمان شده‌اند.

*خلاصه سابقین اولین از مهاجرین آنانی هستند که قبل از هجرت ایمان آورده و پیش از غزوه بدر مهاجرت کرده‌اند و سابقین اولین از انصار کسانی هستند که تا همین مدت ایمان آوردند و پیامبر را جای دادند و یاری کردند پس دلیل اولویت و امتیاز آنان هجرت و نصرت است»^(۱).

خشنودی خداوند از صحابه:

پرسش دیگر اینکه خداوند می‌فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ یعنی: «خداوند از آنان خشنود شد و آنان نیز از خدا خشنود شدند» خشنودی خداوند از صحابه چرا و آیا این خشنودی دائمی است یا موقتی؟ باز هم پاسخ را از صاحب تفسیر المیزان محمد حسین طباطبایی بشنویم:

۱- تفسیر المیزان از محمد حسین طباطبایی ج ۹ ص ۳۰۱.

«رضایت خداوند از بندگان به خصوص از مهاجرین و انصار رضایتی است که دیگر زائل نمی‌شود، و هرگز بر آنان خشم نمی‌گیرد، این رضایت اولاً از گذشتگان و سپس از آیندگانی است که در ایمان و عمل صالح پیرو گذشتگانند، گذشتگانی که در ایمان و عمل صالح، پایدار بودند»^(۱).

دیدگاه مکارم شیرازی:

«رضایت خداوند از آن‌ها به خاطر ایمان و عمل صالحی است که انجام داده‌اند، به تعبیر دیگر آنچه خدا از آن‌ها خواسته است انجام داده‌اند و آنچه آن‌ها از خدا خواسته‌اند به آنان ارزانی داشته است، بنابراین هم خدا از آنان راضی و هم آن‌ها از خدا راضی هستند، اگر چه این جمله همه نعمت‌های الهی را در بر داشت اما به عنوان تاکید فرمود: ﴿وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ یعنی: برایشان باغهایی که فرودست آن جویباران روان است آماده ساخت) از امتیازات این نعمت این است که جاودانی است و همواره در آن خواهند ماند: ﴿حَلَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ و چه پیروزی از این برتر که انسان احساس کند آفریدگار و معبود و مولایش از او خوشنود است و کارنامه قبولی او را امضاء کرده است. ﴿ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۲).

دیدگاه مدرسی:

«در این آیه بین مهاجر و انصار هیچ تفاوتی نیست بلکه همه آن‌ها را یکسان شمرده است و این پاسخ کسانی است می‌خواستند بین مردم مکه و مدینه تخم اختلاف بپاشند همچنین کسانی که از این دو گروه تبعیت می‌کردند تبعیت آن‌ها از روی نفاق نبود و برای

۱- المیزان ج ۹ ذیل تفسیر آیه مذکور.

۲- تفسیر نمونه ج ۸/۱۰۰-۱۰۱.

مصلحت روز نبود بلکه فقط و فقط برای خدا بود و اینان در شمار همان سبقت گیرندگان هستند»^(۱).

دیدگاه جعفری:

«داشتن سابقه در اسلام برای کسانی که در شرایط دشوار، اسلام را پذیرفتند امتیاز و افتخار بزرگی بود و جا داشت که به این امتیاز ببالند، در آیه دیگری از سابقه داران در اسلام چنین ستایش شده است: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿۱۸﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿۱۹﴾﴾ یعنی: سبقت گیرندگان به ایمان که پیشاهنگانند آنان مقرب درگاه پروردگارند»^(۲).

آیه دوم

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿۱۸﴾﴾ [الفتح: ۱۸]

«خداوند از مومنان هنگامی راضی گردید که در زیر درخت با تو بیعت کردند، خدا میدانست آنچه را که در درون دلهایشان (از صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام) نهفته بود، لذا اطمینان خاطری به دلهایشان داد و فتح نزدیکی را پاداششان کرد».

دیدگاه مدرسی:

«هدف عهد بستن با خدا آن است که سبب رسیدن به خرسندی و پاداش خداوند می شود. پس وسایل خرسندی خدا از مؤمنان در آن هنگام که با رسول الله ﷺ درباره جنگ حتی با مردن در میان دستهای او بیعت کردند گسترش پیدا کرد. خداوند ﷺ بیعت مؤمنان را پذیرفت و همه گناهانشان را آمرزید، مگر نه آنست که حسنات سبب از بین

۱- تفسیر هدایت ج ۴ / ۲۵۵.

۲- واقعه آیه ۱۱. تفسیر کوثر ج ۴ / ۵۶۶ یعقوب جعفری.

رفتن سیئات می‌شود. آری، این کار قهرمانانه در نزد خدا ارزش فراوان دارد و در ترازوی او بر هر عملی ترجیح پیدا می‌کند. بیعت کردن با رسول الله ﷺ در زیر درخت دلیل اکید بر عمق ایمان ایشان برسالت بود و اگر مؤمن بمعنای درست این کلمه نمی‌بودند با او بیعت نمی‌کردند. پس بیعت وسیله تمایزی میان منافقان و سست‌ایمانان با مؤمنان راستین بشمار می‌رود»^(۱).

دیدگاه ابوالفتوح رازی:

«سبب این بیعت آن بود که رسول الله ﷺ عثمان را به عنوان سفیرشان به مکه فرستادند، خبر رسید که عثمان را کشته‌اند صحابه را زیر آن درخت جمع نمود و بیعت تازه کرد. این را بیعت الرضوان و بیعت الشجره گویند. مردم می‌گفتند این بیعت مرگ است. جز الاجد بن قیس که منافق بود. تمام هزار و ششصد نفر بیعت کردند. بروایت جابر بن عبدالله رسول الله ﷺ فرمودند: «به دوزخ نرود از آنانکه در زیر درخت بیعت کردند»^(۲).

دیدگاه قرائتی:

«مراد از ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ صدق نیت آنهاست، انزال سکینه حاکی است که خدا به آنها اطمینان و آرامش قلب نازل کرد که از اهل مکه نترسیدند»^(۳).

دیدگاه مدرسی:

«پس دانست که در دل‌های آنان چه می‌گذرد از ثبات و راستی ایمان و همه شایستگی‌های لازم برای رسیدن به نصرت الهی پس آرامش و اطمینان را برایشان فرو

۱- تفسیر هدایت ج ۱۳/۳۲۶.

۲- تفسیر روح ابوالفتوح رازی ج ۱۷/۳۳۶ تألیف: حسین بن علی نیشابوری.

۳- تفسیر احسن الحدیث، جلد ۱۰ ص ۲۴۶.

فرستاد و فتح نزدیکی را پاداش آنان قرار داد»^(۱).

آیه سوم

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ۖ سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ [الفتح: ۲۹]

«محمد رسول خداست و کسانی که با اویند برکافران سخت گیر و در میان خود مهربانند. آنان را در حال رکوع و سجده می بینی که از خداوند فضل و خشنودی می جویند. نشانه درستکاری آنان از اثر سجده در چهره هایشان پیداست».

دیدگاه قرآنی:

«آیه شریفه اصحاب آنحضرت را توصیف می کند آمدن اسم خاص آن حضرت برای آنست که مطلقا ابهامی در بین نباشد اولین وصف یاران وی آنست که نسبت به کفار سخت و بی سازش و نسبت به مؤمنان مهربانند. غرض عمده آنها از زندگی رسیدن به ثواب و رضایت خداست، سجده و خضوع در برابر خدا در قیافه شان اثر گذاشته و ایمان از چهره شان آشکار است از حضرت صادق نقل شده است که درباره این آیه فرمود: «هو السهر في الصلوة» یعنی آن صبح کردن در نماز است. منظور آن است که در روز قیامت مواضع سجود آنها نورانی می شود همانطوری که کشتی جوانه های ضعیف خود را از زمین بیرون می آورد سپس به آنها نیرو می دهد و جوانه ها محکم شده و بر روی ساقه های خود می ایستد. تا جایکه کشاورزان از رشد آنها تعجب می کنند یاران آنحضرت نیز همانطور بتدریج قوی می شوند، پیش می روند و اسلام را پیاده می کنند»^(۲).

۱- تفسیر هدایت جلد ۱۳ ص ۳۲۸

۲- تفسیر احسن الحدیث ج ۱۰ ص ۲۶۰

دیدگاه مدرسی:

«رهبر و پیشوایی که اینگونه مردان را در سایه رهبری و اندیشه‌های خویش پرورش می‌دهد از دیدن آنان شادمان می‌شود اما دشمنان هر گاه کسی را ببینند که در سایه ارزشها و اصول او رشد کرده و به صورت رزمنده و رهبر مکتبی در آمده است که در راه خدا جهاد می‌کند گرفتار خشم و غیض خواهند شد. یاران حقیقی پیامبر ﷺ همان کسانی هستند که در این آیه از آنان بصورت زرع یاد شده است»^(۱).

فضائل صحابه در سنت مطهر

ابوبکر صدیق رضی الله عنه

پیامبر ﷺ در حق ایشان فرمودند:

* «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي إِلَيْكُمْ فَقُلْتُمْ كَذَبْتَ وَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ، وَوَأَسَانِي بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فَهَلْ أَنْتُمْ

تَارِكُوا لِي صَاحِبِي مَرَّتَيْنِ فَمَا أُوذِيَ بَعْدَهَا»

«خداوند مرا به سوی شما مبعوث کرد شما گفتید تو دروغ می‌گویی، اما ابوبکر گفت راست می‌فرمایید و مرا با جان و مالش یاری داد پس آیا شما صحابی مرا برایم رها میکنید؟ از آن پس کسی ابوبکر را اذیت نکرد»^(۲).

* «از محمد ابن حنفیه روایت شده که فرمود خدمت پدرم عرض کردم: بعد از رسول خدا ﷺ چه کسی بهتر است؟ فرمود: ابوبکر گفتم: سپس چه کسی بهتر است؟ فرمود: عمر ترسیدم که بگوید عثمان گفتم: سپس شما؟ فرمود: من فردی از عامه مسلمانان بیش نیستم»^(۳).

۱- تفسیر هدایت جلد ۱۳ ص ۳۴۵. بشریت تألیف موسی عزیزی نشر احسان آذر ۸۱ شمسی نقل شده است.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۳۸۸

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۳۹۵

عمر فاروق رضی الله عنه

پیامبر صلی الله علیه و آله در حق ایشان فرمودند:

* «بار خدایا! هر یک از این دو مرد، ابو جهل و عمر بن خطاب را بیشتر دوست داری اسلام را به وسیله او کمک کن»^(۱).

و همچنین می فرمایند:

* «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا لَقِيكَ الشَّيْطَانُ قَطُّ سَالِكًا فَجًّا إِلَّا سَلَكَ فَجًّا غَيْرَ فَجِّكَ»^(۲).

* «قسم به ذاتی که جانم در دست اوست هرگز نشده است که شیطان تو را ببیند که به راهی می روی مگر اینکه به راه دیگری می رود»

عثمان ذو النورین رضی الله عنه

رسول الله صلی الله علیه و آله در حق ایشان فرمودند:

* «آیا از مردی حیا نکنم که فرشتگان از او حیا می کنند»^(۳).

در مسند امام احمد رحمة الله علیه آمده است:

* «هنگامی که فتنه و شورش آغاز شده بود به حضرت عائشه صدیقه خبر رسید که بعضی منافقین در شأن حضرت عثمان جسارت می کنند، حضرت عائشه سه بار فرمود: خداوند لعنت کند کسی را که عثمان را لعنت کند من رسول الله صلی الله علیه و آله را دیدم که زانویشان را به عثمان تکیه داده بودند و در حالی که وحی داشت نازل می شد و من داشتم عرق از پیشانی مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله پاک می کردم به عثمان می فرمودند: بنویس - و عثمان همی داشت وحی نازل شده را می نوشت - رسول خدا صلی الله علیه و آله دو دخترشان را یکی

۱- سنن ترمذی، حدیث شماره: ۳۶۸۱.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۰۵۱.

۳- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۴۰۱.

پس از دیگری به نکاح عثمان در آوردند، هرگز ممکن نیست خداوند بنده‌ای را تا این حد به پیامبرش نزدیک کند مگر اینکه آن بنده خیلی در نزد خدا عزیز باشد»^(۱).

زبیر بن العوام رضی الله عنه

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در حق ایشان فرمودند:

«إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوَارِيًّا وَإِنَّ حَوَارِيَّ الرَّبِيِّ بْنِ الْعَوَّامِ»^(۲).

«هر پیامبر دوست صمیمی دارد و دوست صمیمی من زبیر بن عوام است».

طلحه بن عبید الله رضی الله عنه

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در حق ایشان فرمودند:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى شَهِيدٍ يَمْشِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى طَلْحَةَ بْنِ عَبِيدِ اللَّهِ».

«هر کس می خواهد شهیدی را ببیند که بر روی زمین راه می رود طلحه ابن عبیدالله را ببیند»^(۳).

«از زبیر ابن عوام روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در غزوه احد دو زره پوشیده بودند لذا- و از شدت خستگی جنگ - وقتی می خواستند بر سنگی بالا روند نتوانستند طلحه زیر پایشان نشست و با کمک او بر سنگ بالا رفتند زبیر می فرماید: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمودند: «أَوْجَبَ طَلْحَةُ» طلحه بهشت را بر خود واجب کرد»^(۴).

از قیس ابن ابی حازم روایت است که فرمود:

«رَأَيْتُ يَدَ طَلْحَةَ النَّبِيِّ وَقَفَى بِهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ سَلَّتْ».

۱- حدیث شماره: ۲۵۰۴۶

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۲۶۳۴

۳- سنن ترمذی، حدیث شماره: ۳۶۷۲

۴- سنن ترمذی، حدیث شماره: ۳۶۷۱

«دست طلحه را که در روز جنگ احد با آن از پیامبر ﷺ دفاع می کرد دیدم که از کار افتاده بود»^(۱).

سعدابن ابی وقاص رضی الله عنه

رسول الله ﷺ در حق ایشان فرمودند:

«اکنون مردی از بهشت بر شما وارد می شود لحظاتی گذشت که سعدابن ابی وقاص بر آنان وارد شد»^(۲).

از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت شده که فرمود:

«از پیامبر ﷺ شنیده بودم که به کسی بگویند: «پدر و مادرم فدایت باد» جز برای سعد- ابن ابی وقاص- روز جنگ احد از ایشان شنیدم که می فرمودند: «ارْمِ سَعْدُ فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي» سعد! تیر بینداز «پدر و مادرم فدایت باد»^(۳).

عمرو ابن العاص رضی الله عنه

رسول گرامی ﷺ در حق ایشان فرمودند:

«نعم أهل بيت أبو عبدالله وأم عبدالله وعبدالله».

«چقدر خانواده خوبی است خانواده پدر عبدالله- کنیت عمرو ابن العاص) و مادر عبدالله و خود عبدالله»^(۴).

ایشان می فرماید:

«ما عدل بي رسول الله ويخالد منذ أسلمنا أحداً من أصحابه في حربه».

۱- بخاری، حدیث شماره: ۳۴۴۵.

۲- کنز العمال: ۳۷۱۱۶.

۳- ترمذی، حدیث شماره: ۳۶۸۸ حَدِيثٌ صَحِيحٌ.

۴- مجمع الزوائد: رجاله ثقات، حدیث شماره: ۳۵۴/۹.

* «از روزی که من و خالد - ابن ولید - مسلمان شدیم رسول الله ﷺ در مسائل جنگی هیچگاه کسی را با ما مساوی نمی‌دانستند»^(۱).

عائشه صدیقه رضی الله عنها (۲)

عالم‌ترین زن جهان عایشه!

امام ذهبی در سیر (۱۴۰/۲) می‌فرماید:

«پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با دوشیزه دیگری جز ایشان ازدواج نکردند، و هیچ یک از همسرانشان را به اندازه ایشان دوست نمی‌داشتند و در امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - و حتی در تمام زنان - زنی عالم‌تر از ایشان وجود نداشته است».

زنی که قرآن صداقتش را اعلان کرد!

همچنین در سیر (۱۸۱/۲) از علی ابن الاقمر روایت است که فرمود:

«مسروق وقتی از عایشه رضی الله عنها حدیث روایت می‌کرد می‌فرمود: (حدیثی الصدیقه بنت الصدیق، حبیبه حبیب الله المبراة من فوق سبع سماوات فلم أكذبها) «صدیقه دختر صدیق، حبیبه حبیب خدا، کسی که پاکی و برائت او از بالای هفت آسمان نازل شده برایم حدیث روایت کرده، هرگز تصور دروغ درباره اش نکردم».

خصایص منحصر به فرد عایشه:

ابن قیم در جلاء الافهام (ص ۳۵۱-۳۵۵) بخش مهمی از خصائص ایشان را ذکر کرده است که خلاصه اش چنین است:

* «او در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محبوب‌ترین مردم بود.»

۱- تاریخ دمشق ۴۹۶/۱۳ و سیر اعلام النبلاء ۶۶/۳.

۲- فضائل اهل بیت و منزلت والای آنان از دیدگاه اهل سنت نوشته‌ی عبدالمحسن بن حمد العباد البدر، ترجمه‌ی عبد الله حیدری.

* حضرتش با دوشیزه دیگری جز او ازدواج نکردند.

* گاهی وحی در حالی بر حضرتش صلی الله علیه و آله نازل می شد که در لحاف او بودند.

* هنگامی که آیه تخییر نازل شد اول از او آغاز کردند و او را مخیر گذاشتند که او خدا و رسولش را انتخاب کرد، سپس بقیه همسرانشان را مختار گذاشتند که همگی خدا و رسولش را برگزیدند.

* و اینکه خداوند از تهمتی که منافقان به او زدند او را پاک و مبرا اعلان نمود و در اثبات آن آیاتی در کلام مجیدش نازل فرمود که تا روز قیامت در مساجد و نمازهای مسلمین تلاوت می شود.

* خداوند گواهی داد که او از «طیبات» است و به او وعده «مغفرت» و «رزق گرامی» نمود.

* جالب است که با داشتن این منزلت رفیع و شأن عالی باز هم تواضع می کند و می فرماید:

(و لَشَأْنِي فِي نَفْسِي أَهْوَنُ مِنْ أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ فِيَّ قِرْآنًا يَتْلُو)

«من در دلم کوچکتر از آن بودم که خداوند در باره من آیاتی از قرآن نازل کند که برای همیشه تلاوت گردد».

* بزرگان صحابه رضی الله عنهم هرگاه در مسائل دینی به مشکلی بر می خوردند از ایشان می پرسیدند، و جوابشان را می گرفتند.

* و اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه ایشان و در نوبت ایشان و در بغل ایشان وفات نمودند.

* و اینکه قبل از ازدواج رسول الله صلی الله علیه و آله با ایشان فرشته عکس ایشان را در پارچه ابریشمی به رسول الله صلی الله علیه و آله نشان داد، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: (إن يكن هذا من عند الله يَمْضِه) «اگر این امر از طرف خدا باشد خداوند آنرا عملی خواهد کرد».

* خیلی از مردم منتظر می ماندند تا اینکه نوبت ایشان برسد و رسول الله ﷺ به خانه ایشان بیایند تا اینکه بهترین هدایایی که می خواهند به پیامبرشان ﷺ بدهند، در خانه بهترین همسرانش بدهند. رضی الله عنهم اجمعین».

از سخنان علی مرتضیٰ علیه السلام

سخن اول:

«لَقَدْ رَأَيْتُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَمَا أَرَى أَحَدًا يُشْبِهُهُمْ مِنْكُمْ لَقَدْ كَانُوا يُصْبِحُونَ شُعْتًا غُبْرًا وَ قَدْ بَاتُوا سُجْدًا وَ قِيَامًا يُرَاوِحُونَ بَيْنَ جَبَاهِهِمْ وَ خُدُودِهِمْ وَ يَقِفُونَ عَلَى مِثْلِ الْجَمْرِ مِنْ ذِكْرِ مَعَادِهِمْ كَأَنَّ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ رُكْبَ الْمِعْزَى مِنْ طُولِ سُجُودِهِمْ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ هَمَلَتْ أَعْيُنُهُمْ حَتَّى تَبْلَّ جُيُوبَهُمْ وَ مَادُوا كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ يَوْمَ الرِّيحِ الْعَاصِفِ خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ وَ رَجَاءً لِلثَّوَابِ»^(۱)

«همانا یاران پیامبر ﷺ را دیدم، کسی را نمی بینم که همانند آنان باشد. روز را ژولیده مو، و گرد آلود به شب می رسانند؛ و شب را به نوبت، در سجده یا قیام به سر می بردند. گاه پیشانی بر زمین می سودند و گاه گونه بر خاک، از یاد معاد چنان نا آرام می نمودند که گویی بر پاره آتش ایستاده بودند. میان دو چشمشان چون زانوی بز ان پینه بسته بود، از طولانی ماندن در سجود. اگر نام خدا برده می شد چندان می گریستند که گریبانهایشان تر گردد، و می لرزیدند چنانکه درخت، روز تندباد لرزد، از کیفری که بیم آن داشتند یا امیدی که تخم آن در دل می کاشتند»^(۲).

سخن دوم:

امیر المؤمنین علی مرتضیٰ با عصبانیت بر منبر کوفه مشیت می کوبد؟ و می فرماید:

۱- خطبه ۹۷.

۲- ترجمه دکتر جعفر شهیدی چاپ چهاردهم ۱۳۷۸ تهران.

«بلغني أن قوما يفضلونني على أبي بكر وعمر، من قال شيئا من هذا فهو مفتر، عليه ما على المفتر»^(۱).

«به من خبر رسیده که گویا عده ای مرا از ابوبکر و عمر برتر می دانند! اگر کسی چنین ادعایی کرده باشد؛ افترا کننده (= دروغگو) است؛ که حد افترا باید بر او جاری شود».

سخن سوم:

و در جای دیگری می فرماید:

«لأوتی برجل فضلي علي بكر و عمر إلا جلدته حد الفرية»^(۲).

«مبادا با کسی روبرو شوم که مرا از ابوبکر و عمر برتر می داند و گرنه او را مانند کسی که دروغ و افترا می بندد شلاق می زنم».

حکایتی از زین العابدین رحمة الله عليه

اینک حکایت ذیل را که علی اردبیلی در کتابش نقل کرده ملاحظه فرمائید:

از امام زین العابدین علی ابن حسین عليه السلام روایت است که فرمود:

(عده ای از مردم عراق خدمت حضرت آمدند، و از ابوبکر و عمر و عثمان در محضر ایشان نکوهش کردند، وقتی صحبتشان تمام شد، فرمود ممکن است به من بگوئید که آیا شما از مهاجرین اولین هستید؟ که خداوند در باره آنان فرموده: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸] «کسانی که از خانه هایشان و اموالشان رانده شده اند. (و) از خداوند

۱- المحلی ابن حزم ۲۸۶/۱۱. و موسوعه فقه علی ابن ابی طالب. از دکتر رواس قلعه جی. چاپ دار
النفائس.

۲- همان منبع.

فضل و خشنودی می‌جویند و (دین) خدا و رسولش را یاری می‌دهند. هم اینانند که راست‌گویند»؟

گفتند خیر. فرمود: پس شما از آنهایی هستید که خداوند در بارهٔ آنان فرموده: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا تَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۱) «کسانی که پیش از آنان در دار اسلام جای گرفتند و ایمان در دلشان جای گرفت. کسانی را که به سوی آنان هجرت کنند دوست می‌دارند و در دل‌های خود از آنچه (به مهاجران) داده‌اند احساس نیاز نمی‌کنند و (دیگران را) بر خودشان و اگرچه نیازمند باشند ترجیح می‌دهند و کسانی که از آز نفس خویش مصون باشند، اینانند که رستگارند»؟ گفتند: خیر، فرمود: پس وقتی اعتراف کردید که از دو گروه اولی نیستید من گواهی می‌دهم که شما از کسانی هم نیستید که خداوند دربارهٔ آنان می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾^(۲) «و (نیز) آنانکه پس از اینان آمدند، می‌گویند: پروردگارا، ما را و آن برادرانمان را که در ایمان آوردن از ما پیشی گرفتند، بیامرز. و در دل‌های ما هیچ کینه‌ای در حق کسانی که ایمان آوردند، قرار مده، پروردگارا تویی که بخشندهٔ مهربانی». بلند شوید از پیش من بیرون بروید خداوند شما را به سزایتان برساند». (اخرجوا عني فعل الله بكم)^(۱).

نام‌گزاری به نام‌های خلفای راشدین

علی علیه السلام از فرط محبتش با خلفای ثلاثه ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم، سه تا از فرزندانش را با نام گرامی آنان نامگذاری می کند.

ابوبکر بن علی ابن ابی طالب که با برادر بزرگوارش امام حسین - علیه و علی آبائه الصلاة والسلام - در صحنه کربلا به شهادت می رسد.

عمر بن علی بن ابی طالب که با برادر بزرگوارش امام حسین علیه السلام در حماسه کربلا شرکت می کند و پس از جهاد و مبارزه، زنده با امام زین العابدین به مدینه بر می گردد. و نسلش ادامه پیدا میکند.^۱

عثمان بن علی ابن ابی طالب که با برادر بزرگوارش امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت می رسد.

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز سه تا از فرزندانش را **ابوبکر و عمر و طلحه** نام می گذارد که با عمویشان در کربلا به شهادت می رسند.

امام حسین علیه السلام نیز فرزندش را **عمر** نام می گذارد.

۱ - واقدی می نویسد: «نسل حضرت علی از طریق پنج فرزند ایشان ادامه یافت: حسن، حسین، محمد ابن حنفیه، عباس، و عمر، رضی الله عنهم». نگا: مناقب آل ابی طالب از ابن شهر آشوب ۳/۳۵۰ تحقیق یوسف البقاعی انتشارات ذوی القربی ۱۴۲۱ هـ. و البداية والنهاية ۱۱/۲۷. بقیه پاورقی در صفحه بعد.
از صفحه قبل = دکتر رواس قلعه جی به نقل از شرح تجرید روایتی نقل می کند که راوی آن عیسی ابن عبدالله ابن محمد ابن عمر ابن علی ابن ابی طالب است. نگا: موسوعه فقه علی ابن ابی طالب صفحه ۳۶ چاپ اول ۱۴۱۷ هـ دار النفائس بیروت. «عمر ابن علی ابن ابی طالب هشتاد و پنج سال عمر نمود»، البداية والنهاية ۱۱/۲۶.

«عمر ابن علی در سال ۶۷ هـ با مصعب ابن زبیر به شهادت رسید». تهذیب الکمال ۲۱/۶۶۸ چاپ اول ۱۴۱۳ مؤسسه الرساله تحقیق دکتر بشار عواد معروف. شماره بیوگرافی ۴۲۸۹. «حیدری»

امام زین العابدین علیه السلام یک دخترش را عایشه و یک پسرش را عمر نام می‌گذارد، که نسل عمر ابن زین العابدین ادامه پیدا می‌کند.^۱ همچنین بقیه اهل بیت از نسل عباس ابن عبدالمطلب و نسل جعفر ابن ابی طالب و مسلم ابن عقیل و دیگران، که در اینجا ما در صدد درج تمام این اسمها نیستیم بلکه مقصود فقط ذکر نمونه‌هایی است که مطلب مورد نظر را روشن کند.

مناقشه

بعضی شیعیان منکر این حقیقت هستند که علی و فرزندان علیهم السلام فرزندان خودشان را به این نامها نامگذاری کرده‌اند. البته این‌ها فقط کسانی هستند که یا اطلاع ندارند چون مطالعه نمی‌کنند و با کتابها سروکاری ندارند، و یا اینکه تجاهل عارفانه می‌کنند و قصداً از روی ضد و عناد این حقایق روشن را انکار میکنند.

خوشبختانه بسیاری از ائمه و علمای بزرگ تشیع اینگونه جهالت مقصود یا غیر مقصود را رد کرده‌اند، زیرا دلائل وجود این نامهای مبارک قطعی و یقینی است، چون نسلهای آنان ادامه دارد و بلکه خود کتب تشیع که جریان حادثه کربلا را نقل می‌کنند گواهی می‌دهند که ابوبکر ابن علی ابن ابی طالب و ابوبکر ابن حسن ابن علی و عمر ابن علی و عثمان ابن علی علیهم السلام در کنار امام حسین به شهادت رسیدند.

آری این‌ها شهدای صحنه کربلا هستند، این امر را خود برادران شیعه در کتابهایشان آورده‌اند،

۱ - نگا: کشف الغمة (ص ۳۳۴/۲)، الفصول المهمة (ص ۲۸۳)، کما اینکه این نامها را در نسل سایر ائمه

ملاحظه می‌فرمائید، و علمای شیعه این اسمها را ذکر کرده‌اند.

بطور مثال نگا: اعلام الوری طبرسی (ص ۲۰۳)، ارشاد مفید (ص ۱۸۶)، تاریخ یعقوبی (ص ۲۳/۲).

خواهر امام حسن مجتبی و امام حسین سید الشهداء، دختر فاطمه زهراء «ام کلثوم»
 (علیها السلام) را پدرش امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب علیه السلام به ازدواج فاروق اعظم عمر
 ابن خطاب علیه السلام در می آورد!

وما ذلك على الله بعزيز.

عبدالله حیدری

پاییز ۱۳۸۳ شمسی